

عنوان مقاله:

ایرادات ناظر به کار بست خصایص طبیعی آدمی در شناخت (مربوط به نظریه زاگزبسیکی)

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های عقلی نوین، دوره 8، شماره 16 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

اکرم عسکرزاده مزرعه - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه محقق اردبیلی

سید علی علم الهدی - استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه پیام نور، ایران

خلاصه مقاله:

رویکرد طبیعت‌گرایانه لیندا زاگزبسیکی به شناخت، ورود خصایص فضیلت‌گرایانه انسان به حوزه معرفت‌شناسی را مجاز نموده است. فضایل و احساسات و عواطف از وجوه طبیعت آدمی هستند که از منظر زاگزبسیکی در تشکیل معرفت سهم دارند. انگیزه برآمده از عواطف، باور را به سوی صدق، هدایت می‌کند. کار بست خصایص طبیعی در معرفت، مستلزم مهارتی خاص است که از نظر زاگزبسیکی از مهارت به مثابه فن و استادی متمایز است. فضیلت، انگیزه و موفقیت از مهمترین اجزای طبیعت‌گرایانه شناخت از نگاه زاگزبسیکی هستند. در کنار اجزای طبیعی یادشده، عناصر دیگری مانند آگاهی، اراده، وظیفه و غیره از سوی معرفت‌شناسان سنتی برای تشکیل معرفت معرفی شده‌اند. نویسندگان در تحلیل و نقد نگاه زاگزبسیکی به سه جزء طبیعی معرفت یعنی عناصر فضیلت، انگیزه و موفقیت می‌پردازند. سه جزء نامبرده آن‌گونه که زاگزبسیکی به آنها نقش می‌دهد، خالی از خطا نیستند و به کار بستن آنها در ساختار معرفت، مستلزم دقت در معنا، حدود و کارکرد است. برای مثال چنانچه تنها فضایل معرفتی رفتاری، فضایل موثر در شناخت برشمرده شوند، احتمال وقوع تراحم فضایل و از دست رفتن ظرفیت فضایل طبیعی در معرفت و محدود شدن دامنه باورهای آسان‌یاب به وجود می‌آید. در این صورت، انحصار باورهای صادق به باورهای حاصل از انگیزه حقیقت‌یابی، به نادیده گرفتن باورهای صادق برآمده از دیگر انگیزه‌ها منتهی خواهد شد و فضیلت ندانستن مهارت‌ها، موجب زایل شدن فضیلت مستتر در فنون می‌شود.

کلمات کلیدی:

"زاگزبسیکی"، "معرفت‌شناسی"، "فضیلت"، "انگیزه"، "مهارت"

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1923756>

